



سید علی اکبر حسینی

مقدمه

پیش از ورود به مدرسه قرآن کریم و بهره مندی از معارف و حقایق این ودیعه الهی، ضروری و بایسته است که با روش صحیح تفسیر، با مکاتب و آرای تفسیری، و نیز با مفسران صاحب نام آشنا شویم؛ زیرا راهیابی به معارف و حیانی و فهم آموزه های الهی، تنها با کشف شیوه صحیح تفسیری میسر است. از این رو، همواره در کنار نگاهشته های تفسیری، معرفی روش ها و مکتب های تفسیری، مورد توجه مفسران و اندیشه‌وران مسلمان بوده است. (۱)

بدیهی است که پرداختن به هر دانشی، مستلزم آگاهی به اهمیت و ضرورت فراگیری آن دانش است؛ ایجاد انگیزه، شوق فراگیری و جدیت لازم در تحصیل علم، ارتباطی وثیق و اساسی با درک اهمیت آن علم، و اذعان به ارزش و جایگاه آن علم دارد.

دانش تفسیر و فهم کلام الهی، چنین نیاز و الزامی را، دو چندان می کند. دلایل لزوم شناخت قرآن و چرایی فهم این کتاب مقدس، می تواند، معنا بخش تلاش دانش پژوهان تفسیر و دوست داران فهم آیات قرآن باشد. آگاهی به این دلایل، به مثابه پیش نیاز علم تفسیر است. دلایلی که ضرورت فهم قرآن را





اثبات می کند و سبب می شود تا انگیزه و شوق یادگیری بیش تر شود.

برخی دلایل ضرورت فهم قرآن

۱- قرآن تنها مَجْرای راهیابی به حیات معنوی

در برخی آیات قرآن (۲) به نوعی از حیات معنوی، اشاره شده است که با حیات حیوانی متفاوت است. وصول به این حیات معنوی که همان زندگی انسانی است، تنها در پرتوی توحید، (۳) فهم و به کاری گیری آموزه های وحیانی میسر است. قرآن آخرین کتاب آسمانی و تنها متن الهی است، (که از تحریف و تغییر، مصون (۴) مانده و مصدق و مهیمن (۵) کتاب های آسمانی پیشین است. (۶) انس و ارتباط با قرآن، (تنها کتاب غیر محرف) است که برخوردار از حیات معنوی را میسر می سازد. در نگاه قرآن، کسانی که از نور وحی و حقایق آسمانی بی نصیب مانده اند، در حقیقت به زندگی مادی و حیوانی بسنده کرده، و حیات طیبه را از دست داده اند. قرآن کریم افزون بر دعوت به حیات طیبه، نشانه های آن را بیان کرده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۷) هر کس کار شایسته ای انجام دهد، مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. این آیه عمل صالح مؤمنان را وسیله ای برای تحقق زندگی پاک می داند.

۲- آگاهی تفصیلی به تحریف ناپذیری، اعجاز و مانند ناپذیری قرآن

اندیشمندان مسلمان بی هیچ تردیدی، اعجاز، مانند ناپذیری و تحریف ناپذیری (۸) را از ویژگی های قرآن می دانند؛ چنانچه برخی آیات قرآن نیز از مانند ناپذیری و الهی بودن این نسخه الهی خبر می دهند. اطمینان به صحت ادعای یاد شده پیرامون این کتاب، بیش از هر چیز در گروی شناخت تفصیلی محتوا و اسلوب آن است. چنین شناختی تنها از رهگذر مطالعه دقیق و فهم عمیق آیات قرآن، فراچنگ خواهد آمد.

۳- ضرورت بعثت و خاتمیت

این دلیل، همراه با چند نکته بیان می شود:

نکته اول:

در متون کلامی و در مباحث اعتقادی، دلایل فراوانی برای «ضرورت بعثت انبیا»، و «خاتمیت» (۹) به تفصیل بیان شده است.



لازمه صحت دلایل ارائه شده، «جهان شمولی»، «جاودانگی»، «جامعیت قرآن» و «اعجاز» است. در غیر این صورت یا باید ادعا شود که: تا پیش از بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، نزول پیام الهی برای هدایت انسان ها امری لازم بوده، و به یک باره چنین نیازی پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) مرتفع شده، و یا اساساً ادعای ضرورت بعثت و ادعای خاتمیت، ادعایی نادرست و مخدوش است؛ چنانچه همراهی دو عنصر ادعای نبوت و معجزه نیز ناتمام خواهد بود.

پاسخ بی درنگ اندیشمندان مسلمان به این سخن این است که: قرآن از چنان ویژگی هایی برخوردار است که برای همیشه و در همه زمان ها، بشر را از نزول مجدد وحی و بعثت دوباره بی نیاز می کند؛ بنابراین، هیچ یک از براهین ضرورت بعثت و خاتمیت، نادرست و مخدوش نخواهند بود.

با فرض صحت سخن اندیشه وران اسلامی، قرآن باید از چهار ویژگی، «جامعیت محتوایی»، «جهان شمولی»، و «جاودانگی» و «اعجاز» برخوردار باشد. یعنی از یک سو، تمامی نیازهای تربیتی و هدایتی بشر را تا قیامت بر طرف سازد، و از سوی دیگر، خود یکی از معجزات الهی باشد.

نکته دوم:

در گزارشات قرآنی مربوط به بعثت پیامبران، همواره ادعای نبوت و پیامبری، با ارائه معجزاتی همراه بوده. است در آیه ۲۵ سوره حدید؛ به این نکته تصریح شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قسط و عدالت را برپاکنند. هرچند مضامین عقل پذیر دعوت انبیا، آنان را از ارائه هرگونه دلیلی بی نیاز می کرد، اما ادعای نبوت انبیا که به مفهوم ارتباط با عالم غیب و گفت و گو با خداست، از سوی برخی با تردید و انکار روبرو می گردید، (۱۰) و همین امر موجب می شد تا خداوند برای اتمام حجت، هرگاه پیامبری را می فرستاد، معجزاتی را به واسطه او ارائه می کرد، تا هرگونه شک و تردید را در باره صحت ادعای پیامبری برطرف سازد.

نکته سوم:

قرآن به مثابه زبان گویای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) است، که با خطاب هایی هم چون: «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» در هر زمان و مکانی، بشریت را، به پذیرش دعوت حق فرا می خواند. به همراه این دعوت، همواره این ادعا





نیز وجود دارد که: قرآن سخنی الهی و دعوتی آسمانی است؛ در حالی که چنین ادعایی، نیازمند اثبات است. چنان چه پیشتر یادآور شدیم، بر اساس آیات قرآن، همه پیامبران الهی، پس از ادعای نبوت، از سوی برخی مورد انکار و تردید قرار می‌گرفتند و ناچار بودند برای اثبات ادعای خود به اذن خدا معجزه ای را ارائه دهند، تا هرگونه تردیدی را از ذهن مخاطبان بر طرف سازد.

قرآن از یک سو پاسخ گوی نیازهای و حیانی انسان، تجلی هدایت الهی و جایگزین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، و از سوی دیگر با توجه به اسلوب شگرف و محتوای ژرف (۱۱) خود، معجزه ی جاودانه الهی است؛ این دو ویژگی - اسلوب شگرف و محتوای ژرف - همواره همراه و قرین قرآن هستند؛ تا از بروز هرگونه شک و تردید درباره الهی بودن قرآن، پیش گیری شود.

نکته چهارم:

کشف اعجاز قرآن، و اطمینان به الهی بودن آن، نیازمند تدبیر و ژرف اندیشی در این کتاب آسمانی است. بدون مطالعه پی گیر و مستمر آیات قرآن، و بدون تدبر و تأمل در این کتاب آسمانی، نمی توان به الهی بودن قرآن، جهان شمولی، جاودانگی و اعجاز آن راه یافت. بر همین اساس، قرآن کسانی را که در الهی بودن آن با تردید یا انکار مواجهند، به تدبیر در آیات فراخوانده است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ (۱۲) آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.

۴ - نیاز به قانونی فراگیر، و متناسب با عوالم فراروی انسان

عظمت ساختار وجودی انسان، گستردگی، ژرفا، پیچیدگی، (۱۳) استمرار و تداوم انسان، و نیز ارتباط با عوالمی که انسان پس از مرگ پیش رو دارد، او را نیازمند قانونی جامع، شامل و فراگیر می نماید، تا با عمل به آن قانون، از عقوبت (۱۴) روز واپسین خلاصی یابد؛ قرآن تنها کتابی است که از چنین قانونی برخوردار است. « وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ »؛ (۱۵) و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است، و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم. شهید نواب صفوی قرآن را به مثابه بروشوری می‌داند، که شگفت‌انگیزترین موجود عالم یعنی انسان، را آنگونه که هست معرفی می‌کند. در قرآن به همه ابعاد وجودی انسان توجه کامل شده است و قوانین فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی آن، هم‌سو و هماهنگ با نیازهای وجودی انسان، تنظیم و تدوین یافته است. کتابی که بر خلاف قوانین





بشری، از هرگونه افراط، تفریط، نقص و کاستی بری است، مصون مانده است. قرآن در حقیقت، کتاب خدا شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و... است، که از سوی آفریننده انسان به او هدیه شده است، و با شرح و بسطی کامل و جامع، وظایف انسان را برای او بازگو می کند.

۵ - ایمان و عمل به قرآن، تنها راه رستگاری

ایمان به قرآن و عمل به آموزه های آن، تنها راه سعادت انسان است. دیرینه ترین جستجوی انسان، تلاش برای دست یابی به سعادت و خوشبختی است. در برابر ادیان محرف آسمانی و مکاتب فراوان بشری، که خود را متولی و ضامن رستگاری انسان معرفی می کنند؛ اسلام نیز از جمله مکاتبی است که قرآن را تنها راه سعادت دنیا و آخرت انسان می داند: «فَدَّ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱۶) برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. خدا هر که را از خوشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه های سلامت رهنمون می شود، و به توفیق خویش آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند. رهایی از ظلمت، ضلالت، گمراهی و جهالت.

از مهم ترین اهداف وحی است، که در آیات فراوانی به آنها اشاره شده است. قرآن راه های غیر الهی را که مکاتب بشری و ادیان محرف پیشنهاد می کنند، گمراهی و ضلالت می داند. (۱۷)

«فَدَلِّكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ»؛ (۱۸) آن خدا، پروردگار واقعی شماست؛ بعد از حق نیست مگر گمراهی؛ پس به کجا بر می گردید؟

و کسانی را که به چیزی جز قرآن ایمان آورند نکوهش می کند.

«تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ»؛ (۱۹) این [ها]ست آیات خدا که به راستی آن را بر تو می خوانیم؛ پس بعد از خدا و نشانه های او به کدام سخن خواهند گروید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بیان جایگاه ویژه قرآن فرموده است: آنگاه که فتنه ها همچون پاره های شب ظلمانی شما را فرا می گیرد، برای رهایی از فتنه ها و تاریکی ها به قرآن پناه ببرید. (۲۰)

اثبات این ویژگی قرآن و برخورداری از این مامن الهی، تنها با کاوش و بررسی آیه های این متن آسمانی ممکن می شود.





۶ - دست یابی به گنجینه دانش الهی

قرآن گنجینه کامل حقایق الهی و حاوی تمامی معارف و حیانی است، (۲۱) قرآن در بردارنده همه نیازهای هدایتی و تربیتی انسان است. «لَا رَطْبَ وَلَا يَابِسَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (۲۲) و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ» (۲۳)؛ آن کس که می خواهد به گنجینه دانش گذشته گان و آیندگان دست یابد، باید در قرآن کاوش کند.

۷ - بازشناسی روایات سره از ناسره، از رهگذر مطالعه تفصیلی قرآن

با توجه به تحریف ناپذیری قرآن که با دلایل عقلی و نقلی به اثبات رسیده است، قرآن تنها معیار و میزان سنجش روایات و بسیاری از گزاره های تاریخی است. (۲۴) بی شک در میان روایات منسوب به معصومان (علیهم السلام)، برخی دروغ ها به آنان نسبت داده شده است. این نسبت ها، در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در حضور آن حضرت نیز مطرح بوده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این واقعه را در خطبه ای که به همین مناسبت ایراد کرده، یادآور شدند. «وَقَدْ كَذَبَ عَلَي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيٌّ عَهْدَهُ حَتَّى قَامَ خَطِيْبًا وَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكُذَابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» (۲۵) در زمان پی امبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت های دروغی به آن حضرت داده شد، تا آنکه ایشان برخاستند و فرمودند: دروغ های فراوانی به من نسبت داد شده است. سپس فرمودند: جایگاه کسی که آگاهانه دروغی به من نسبت دهد، در آتش است. ملا محسن فیض کاشانی، در مقدمه تفسیر گران سنگ صافی، در تبیین صحت مضمون این روایت می نویسد: با وجود این حدیث در متون روایی، صحت مضمون آن قطعی ثابت است؛ زیرا اگر چنین سخنی از آن حضرت صادر شده باشد، بی هیچ تردیدی باید به صحت مضمون آن ایمان داشت و اگر صدور این حدیث را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انکار کنیم، وجود این حدیث در منابع روایی، گواه صدق مفهوم آن خواهد بود؛ چرا که این روایت خود، از نمونه روایاتی محسوب می شود، که دروغ پردازان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده اند، و هم اکنون در متون روایی ما وجود دارند.

۸ - گشایش قفل دل ها

برخی گزاره های قرآن، مخاطبان این کتاب آسمانی را به تفکر و تدبیر در آیات فراخوانده است، و بر این نکته تأکید دارد، که تنها راه گشایش قفل دل ها، ژرف





اندیشی و عبرت‌گیری از معارف قرآنی است. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»؛ (۲۶) آیا در آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا بر دل هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟ قرآن انسان را به ظرفی تشبیه می‌کند، که باید در آن ظرف را بگشاید، تا لایق پذیرش فیض الهی گردد؛ در حالی که کلید بازگشایی در بسته وجود آدمی، تدبیر در قرآن است.

باید توجه داشت، همان‌طور که گشودن در با کلید انجام می‌شود، بستن در نیز با کلید صورت می‌گیرد؛ از این رو قرآن، همان‌طور که موجب گشایش قفل دل مؤمن می‌شود، در مواردی نیز قفل دل را می‌بندد. به همین جهت خداوند در بیان آثار این کتاب الهی، گاهی آن را عامل رشد و شکوفایی، نورانیت، بصیرت و فرقان، هدایت و گشایش دل‌ها می‌داند؛ در برخی موارد نیز آن را سبب خسارت، زیان، کوری و نابینایی می‌شمارد (۲۷). «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»؛ (۲۸) و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، از قرآن نازل می‌کنیم ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.

در آیه فوق، خداوند سبب زیان و خسارت را بیان کرده است. ظلم در فرهنگ قرآن، هم چون شوره زاری است که مانع از رویش برکات قرآن در سرزمین دل انسان می‌شود. آیات الهی مانند قطره‌های باران است که بر دشت و کویر، یک سان می‌بارد، اما در دشت دایر و آباد، سبزه و خرمن می‌رویند، در حالی که کویر بایر، (۲۹) حاصلی جز خس و خاشاک ندارد.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید در شوره زار، خس «قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ»؛ (۳۰) بگویند [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند، رهنمود و درمان است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش هایشان سنگینی است، و قرآن برایشان نامفهوم است، و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند. میوه‌های مطبوع نیز، که موجب سلامت، شادابی و نشاط هستند برای معده‌های بیمار، جز درد و رنج نخواهند داشت.

۹ - آگاهی از ژرفایی پیام الهی

شناخت قرآن و درک عظمت این کتاب الهی، پی بردن به شگفتی‌ها و ابعاد گوناگون اعجاز، راهیابی به معارف متعالی، تحلیل‌های بدیع و ژرف از موضوعاتی بی‌شمار؛ چون: حکومت، سیاست، آزادی، عقلانیت، ولایت، نماز، انفاق، نفاق





و...هنگامی میسر است، که این کتاب عظیم الهی را بشناسیم و در آیات آن تأمل و تدبیر نماییم. خداوند به آنان که در الهی بودن قرآن تردید دارند، سفارش می‌کند تا با تدبیر در آیات قرآن، الهی بودن آن را دریابند. «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (۳۱) در این آیه، به نمونه ای از اعجاز قرآن، (نبود اختلاف و تعارض در مضامین آیات) اشاره شده است. این در حالی است که با تأکید، بیان می‌کند که، اگر قرآن تراوش اندیشه بشری بود، بی شک اختلافات فراوانی را در آیات آن شاهد بودیم.

این آیه، نه تنها همگان را به تدبیر در قرآن فرا می‌خواند، که لزوم پیوستگی و مداومت ارتباط با قرآن را نیز یادآور می‌شود؛ زیرا اذعان به نبود اختلاف در قرآن، با تسلط بر همه مضامین آیات آن میسر است؛ در حالی که چنین تسلطی، جز با قرائت مستمر قرآن ممکن نیست. از این رو برخی آیات دستور می‌دهند: «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» هر اندازه برایتان میسر است از قرآن بخوانید؛ (المزمل/۲۰) و باز این دستور را در همین آیه تکرار می‌کند: «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ» پس هر چه از [قرآن] میسر شد، تلاوت کنید. به همین منظور و برای فهم عمیق تر کلام الهی امام رضا(علیه‌السلام) می‌فرمود: «در طول سه روز قرآن را ختم می‌کنم، در حالی که از تدبیر در آیه‌ها نیز کوتاهی نمی‌کنم.» این سخن بدان معناست که اگر امام(علیه‌السلام) تدبیر را نادیده می‌گرفتند، می‌توانستند طی سه روز بیش از یک بار قرآن را ختم کنند. (۳۲) گویی امام رضا(علیه‌السلام) در این حدیث، با توجه به توان و ظرفیت خویش، حد و اندازه قرائت قرآن را بیان کرده و آیه «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» را تفسیر می‌کند.

۱۰ - شناخت کامل پروردگار عالم

شناخت آفریننده هستی، میل به عبودیت و بندگی، ستایش و نیایش، حق‌گرایی و حق‌مداری و... از گرایش‌های فطری انسان است که با آفرینش و سرشت او آمیخته‌اند. با وجود چنین گرایش فراگیری در میان انسان‌ها، در طول تاریخ همواره شاهد بوده‌ایم، که انسان در تشخیص معبود حقیقی به خطا رفته است؛ چنان‌که در شناسایی مصداق‌های واقعی حق نیز، عاجز و ناتوان مانده است. وجود گسترده شرک و بت‌پرستی در میان انسانها، و تصدیق و پذیرش باطل، با این انگاره که باطل همان حقیقت است، نمونه‌های بارز این انحراف است که همواره موجب زیان‌های عظیم و جبران‌ناپذیر شده است. قرآن، ضمن تایید و تثبیت فطرت، گرایش‌های فطری انسان را به تفصیل بیان می‌کند و راه شکوفایی





و پویایی آن را نیز به انسان می آموزد: « فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ »؛ (۳۳) پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن؛ با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است؛ آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار؛ اما بیشتر مردم نمی دانند.

قرآن برای پیش گیری از انحراف های عقیدتی، اخلاقی و عملی، به تبیین و توضیح ویژگی های معبود حقیقی پرداخته، و در آیات فراوانی اوصاف جمال و جلال الهی را بازگو کرده است. توضیحات و تفصیلات قرآن در این باره، امکان هرگونه انحراف اعتقادی و اخلاقی را برطرف می سازد. این حقایق تربیتی، گاه در شکل برهان های دقیق فلسفی، و گاه به صورت تمثیلات و تشبیهات نغز و با جذابیت هر چه بیشتر بیان شده است؛ تا انسان های حق جو در پرتوی این حقایق و حیانی، در شاهراه رستگاری و صراط مستقیم قرار گیرند.

۱۱ - آشنایی با معارف فرابشری

وجود معارف فرا بشری، یکی از ویژگی های این کتاب الهی است؛ معارفی که بشر هر چند تمامی جهد و تلاش خود را بکار گیرد، از دست رسی به آن معارف ناتوان است. ضرورت دستیابی به چنین معارفی، که تنها راه سعادت انسان است، ما را ملزم به شناخت قرآن می نماید. برخی آیات، از وجود دانشی در قرآن گزارش می دهد که تنها از راه وحی دست یابی به آن ها ممکن است. « وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا »؛ (۳۴) خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد، و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت، و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. (۳۵)

در آیه دیگری نیز به این حقیقت اشاره شده است: « وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نُّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ »؛ همانگونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم، که به وسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم؛ و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می کنی. این خطاب به شخص پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است، که





عالی‌ترین تجلی عقل در هستی است.

۱۲- کشف رازِ اهتمامِ قرآن بر علم اندوزی و تفکر، و نیز آگاهی از بسترِ سالم اندیشه

قرآن تاکیدهای فراوانی بر علم اندوزی و خردورزی دارد، و با بیانه‌های متنوعی، انسان‌ها را به دانش‌اندوزی و تفکر فراخوانده است؛ تا آنجا که نزدیک به هزار آیه در این کتاب آسمانی، در باب اهمیت دانش و تفکر آمده است. هیچ یک از کتاب‌های آسمانی پیشین، در این ویژگی با قرآن قیاس نمی‌شوند. بستر سالم اندیشه و شیوه تفکر صحیح نیز، در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس گزاره‌های قرآنی، تفکر آنگاه به بار می‌نشیند و نتیجه می‌دهد، که بر مدار حق و برای خدا انجام گیرد. و آدمی رها و آزاد از هر هرگونه تعلقی، به تفکر پردازد. و تنها هدف او رسیدن به واقعیت و حقیقت باشد. این نکته‌ای است که در سوره «سبا» به آن توجهی ویژه شده است. در این سوره بستر تفکری

سالم این گونه بیان شده است:

« قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ شَفْرَةٍ وَأَنْ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، » (۳۶) بگو من فقط به شما یک آندرز می‌دهم که دو نفر دو نفر و به تنهایی برای خدا به پا خیزید؛ سپس بیندیشید که همراه شما (پیامبر) هرگز دیوانه نیست؛ او، فقط هشدار دهنده‌ای [بیش] نیست، که شما را از عذاب سختی که در پیش دارید انذار می‌دهد.

قرآن تفکر صحیح و نتیجه بخش را، در گرو رهایی از تمایلات شخصی، پیش‌فرض‌ها و انتظارات دانسته است. آدمی تنها با انگیزه رسیدن به حق و قیام برای خداست که می‌تواند از عقل خود بهره‌مند شود.

گویی این آیه، اساسی‌ترین سخن و یا یکی از اساسی‌ترین سخنان در قرآن است؛ چنانچه ساختار این آیه نیز، با دیگر آیات قرآن تفاوتی آشکار دارد.

۱۳- برخورداری از حقیقت و جذبه‌های شگفت قرآن

قرآن در بیان حقایق هستی، از چنان جذبه‌های شگفتی برخوردار است که دوست داران حقیقت را بی‌تاب و بی‌قرار می‌سازد و به اشک شوق و شادی فرا می‌خواند. قرآن از مسیحیانی خبر می‌دهد که با شنیدن آیات قرآن، دل‌هاشان از شوق و چشمانشان از اشک لبریز می‌شود. « وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ »؛ (۳۷) و چون آنچه را به سوی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل



شده بشنوند می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس. اینان با شنیدن آیات قرآن، ناشکیبا و پرشتاب، ایمان خود را به این کتاب ابراز می‌کنند؛ زیرا آن را تجلی حقایقی می‌بینند که پیش از این از زبان کتاب آسمانی خود شنیده‌اند. و در آیه بعد، شگفت زده می‌پرسند: «وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ»؛ (۳۸) و برای ما چه [عذری] است که به خدا و آنچه از حق به ما رسیده ایمان نیاوریم و حال آنکه چشم طمع داریم که پروردگارمان ما را با گروه شایستگان [به بهشت] درآورد.

۱۴- رهایی از کفر

رهایی از ظلمت کفر، از دیگر آثار شناخت و انس با قرآن است. تلاوت حق، شیوه‌ی صحیح ارتباط با کتاب‌های آسمانی است، که خداوند آن را از پیروان ادیان الهی خواسته است و کسانی را که این شیوه را نادیده گرفته‌اند، در زمره کافران شده‌اند.

«الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (۳۹) «أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ (۴۰) بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ (۴۱) کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم [و] آن را چنانکه باید می‌خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند همانا آنان زینکارانند. امام صادق (علیه‌السلام) در تفسیر و توضیح این آیه، می‌فرماید: توجه و فهم عمیق آیات، پایبندی و عمل به واجبات، اجتناب و دوری از محرّمات، امید به وعده‌های الهی و ترس از عذاب و خشم خدا به هنگام خواندن، از نشانه‌های «تلاوت حق» است؛ امام (علیه‌السلام) بعد از بیان ویژگی‌های یاد شده اضافه فرماید: قسم به خدا، «تلاوت حق» به معنای حفظ ظاهر آیات نیست؛ برخی از قاریان تنها به حفظ حروف قرآن پرداخته و حدود و حقایق آن را تباه کردند. امام صادق (علیه‌السلام) سپس با استناد به آیات قرآن می‌فرماید: «(۴۲) «تلاوت حق» همان تدبیر در آیات است. «وَإِنَّمَا هُوَ تَدْبِيرٌ آيَاتِهِ بِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (۴۳)»

هم کلامی با خداوند (۴۴)، بهره‌مندی از ثمرات معنوی، نورانیت، بصیرت و فرقان (۴۵)، رهایی از عذاب (۴۶)، بخشش گناهان (۴۷)، آرامش (۴۸)، تطهیرجان و زدودن زنگار از دل‌ها (۴۹)، شادابی قلب‌ها (۵۰)، اطاعت فرمان الهی و... (۵۱) از آثار فراوانی است که در قرآن و روایات، برای آیات قرآن کریم بیان شده است. برخوردارگی از این مواهب بی‌کران الهی، در سایه شناخت قرآن و تلاوت راستین





آیات وحی به دست خواهند آمد.

پاورقی

- ۱- «مبانی و روش های تفسیر قرآن»، عباسعلی عمید زنجانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم با تجدید نظر و اضافات؛ تابستان ۱۳۷۹، تعداد صفحات ۴۶۳ «متن اولیه کتاب در سال ۱۳۴۲ در نجف اشرف به هنگام تدریس روشهای تفسیری فراهم شد. فهرست مباحث این کتاب»
- ۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات بخشد آنان را اجابت کنید. (سوره انفال، آیه ۲۴)
- ۳- امام علی (علیه السلام) فرموده است: «الْتَّوْحِيدُ حَيَاةُ الْقَلْبِ» توحید لازمه حیات انسانی است.
- ۴- «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ.» (سوره حجر، آیه ۹)
- ۵- «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ»؛ و ما این کتاب [=قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست. (سوره مائده، آیه ۴۷)
- ۶- نوعی از حیات در قرآن مطرح است که تنها در پرتوی توحید و وحی میسر است و ما آن را حیات معنوی، یا حیات انسانی می‌نامیم. رجوع شود به (آیه ۷۰ سوره یس) «لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا» و (آیه ۸۰ سوره نمل) «إِن كَلَّمْتُمْ الْمَوْتَى...» آیات: (۸۱ نمل و ۴۲ یونس و ۵۳ رم و ۴۰ زخرف).
- ۷- نحل، آیه ۹۷.

- ۸- «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَلْعْتُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْ قَوْمِكُمْ كَافِرُونَ» (یونس: ۳۸)
- ۹- تاریخ منواتر و قطعی، و نیزه نصوص آیات و روایات، خاتمیت را اثبات می‌کنند.
- ۱۰- «قَالَتْ رَبِّ لِمَ لَمْ تُنزلْ عَلَيَّ الْكِتَابَ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيُقَفِّعَ لَكُمْ مِمَّنْ دُونِكُمْ وَيُوخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»؛ رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می‌کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: ما اینها را نمی‌فهمیم! همین اندازه می‌دانیم که شما انسانهایی همانند ما هستید، می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید! (ابراهیم/۱۰)
- ۱۱- الْقُرْآنُ ظَاهِرُهُ أُنْبِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ.
- ۱۲- سوره نساء، آیه ۸۲

- ۱۳- دکتر الکسیس کارل دانشمند شهیر فرانسوی، کتابی با عنوان «نسان موجود ناشناخته» نگاشته است، این کتاب از مشهورترین نوشته‌ها در این زمینه است که نویسنده آن موفق به اخذ جایزه ... شده است.
- ۱۴- دلایل فراوان عقلی و نقلی، بر وجود جهانی بعد از مرگ گواهی می‌دهد؛ که در آنجا به اعمال انسان رسیدگی می‌شود. چنین واقعهای هرچند براساس احتمالی ضعیف استوار باشد، نمی‌توان نادیده انگاشت؛ زیرا هرچند احتمال ضعیف باشد، محتمل امری خطیر و جبران ناپذیر است، و عقل سلیم چمین احتمالی را نادیده نمی‌گیرد. برخی از آیات قرآن به این استدلال اشاره دارد. در سوره بقره آیه ۴۶، در تعریف خاشعین آمده است: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ همان کسانی که گمان دارد که با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.

خداوند در آیات قبل مؤمنان را به استعانت و یاری خواهی از نماز و صبر فرا می‌خواند، و در ادامه می‌فرماید: این استعانت و یاری جستن از نماز و روزه تنها برای خاشعین میسر است. در اینجا خشیت و فروتنی در برابر حکم



- الهی، بر خشیت مبتنی شده است و خشیت خود، بر احتمال وقوع معاد استوار گردیده است.
- ۱۵ - سورة نحل، آیه ۸۹
- ۱۶ - سورة مائده، آیه ۱۵ و ۱۶.
- ۱۷ - سورة مرسلات، آیه ۵۰ «فبای حدیث بعده یؤمنون».
- ۱۸ - سورة یونس، آیه ۳۲.
- ۱۹ - سورة جائیه، آیه ۶.
- ۲۰ - «فَإِذَا تَنَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ فَادَّهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَمَنْ جَعَلَهُ الدَّلِيلَ يَدُلُّهُ عَلَى السَّبِيلِ» علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ۱۳۶، مؤسسه الوفا، بیروت، لبنان.
- ۲۱ - «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ»؛ و این کتاب [= قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ (مائده/۴۸)
- ۲۲ - سورة انعام، آیه ۵۹.
- ۲۳ - همان.
- ۲۴ - روایات فراوانی، از امامان (علیه السلام) نقل شده است که قرآن را ترازوی سنجش روایات معرفی کرده اند.
- ۲۵ - وسایل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.
- ۲۶ - سورة محمد، آیه ۲۴.
- ۲۷ - ر.ک: (سورة توبه ۱۲۷) «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» (سورة توبه، آیه ۱۲۵) «وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ» (سورة فرقان، آیه ۶۰) «وَزَادَهُمْ نَفُورًا»؛ (سورة اسراء، آیه ۴۱) «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نَفُورًا»؛ (سورة اسراء، آیه ۴۶) «وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَمْ يَأْتِ عَلَى أَذْبَانِهِمْ نَفُورًا»؛ (سورة فرقان؛ آیه ۶۰) «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نَفُورًا» (سورة فاطر، آیه ۴۲) «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْلًا مِنْ أَعْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مِمَّا زَادَهُمْ إِلَّا نَفُورًا» (سورة بقره، آیه ۲۶، ۲۷) «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (سورة اعراف، آیه ۵۸) «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَجَسًا» (سورة اسراء، آیه ۶۰) «وَنُحِفُّهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (سورة احقاف، آیه ۱۱) «وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا أَفْكٌ قَدِيمٌ»
- ۲۸ - سورة اسراء، آیه ۸۲
- ۲۹ - «لَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ؛ آيا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی» از اقوامی خبر می دهد که به دلیل ناسیاسی و کفر، سرزمین وجود خود را بایر و بی حاصل می کنند. داربوار، همان زمین نامناسی است که شایستگی رویش و آبادی ندارد؛ از این رو هر کس به آن امید بندد، محکوم به هلاکت و نابودی است. (سورة ابراهیم، آیه ۲۸)
- ۳۰ - سورة فصلت، آیه ۴۴.
- ۳۱ - آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند، اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند. (سورة نساء، آیه ۸۲)
- ۳۲ - (وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۱۷) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ مَا رَأَيْتُ الرُّضَاعَ سُئِلَ عَنْ شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا عَلِمَهُ وَ لَا رَأَيْتُ أَكْفَمَ مِنْهُ مِمَّا كَانَ فِي الزَّمَانِ الْأَوَّلِ إِلَى وَقْتِهِ وَ عَصْرَهُ وَ كَانَ الْمَأْمُونُ يَمْتَحِنُهُ بِالسُّؤَالِ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ فَيَجِيبُ فِيهِ وَ كَانَ كَلَامُهُ كُلَّهُ وَ جَوَابُهُ وَ تَمَثَّلَةَ انْتِرَاعَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ كَانَ يَحْتَمُّهُ فِي كُلِّ ثَلَاثٍ وَ يَقُولُ لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أَحْتَمُّهُ فِي أَقْرَبِ مِنْ ثَلَاثٍ لَحْتَمُّتُ وَ لَكِنِّي مَا مَرَرْتُ بِآيَةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزِلَتْ وَ فِي أَيِّ وَقْتٍ فَلِذَلِكَ صَرْتُ أَحْتَمُّ فِي كُلِّ ثَلَاثَةٍ».
- ۳۳ - سورة روم، آیه ۳۰.
- ۳۴ - سورة نساء، آیه ۱۱۳.
- ۳۵ - «تلك من أنباء الغيب إليك ما كنت تعلمها أنت ولا قومك من قبل هذا فاصبر إن العاقبة للمتقين»؛ این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم پیش از این نه تو آن را می دانستی و نه قوم تو پس شکیبا





باش که فرجام [نیک] از آن تقوای پیشگان است.» (سوره شورا، آیه ۴۶)
 « وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ وهمین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی. (سوره هود، آیه ۴۹)

۳۶ - سوره سبأ؛ آیه ۴۶.

۳۷ - سوره مائده، آیه ۸۳.

۳۸ - سوره مائده، آیه ۸۴.

۳۹ - آیات و جوب انس با قرآن؛ (مزمل / ۲۰)، (اعراف / ۱۶۹ و ۱۷۰)، اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالذَّارُ الْأَخْرَجَةُ؛ (اعراف / ۱۷۰) وَالَّذِينَ يَمَسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ؛ (فرقان / ۳۰) وَقَالَ الرَّسُولُ يَرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقِرَاءَانَ مَهْجُورًا.

۴۰ - «و لا یزید الظالمین الا خساراً» هوای سالم برای حشر آتی که با عفونت و مرداب خو گرفته اند، پیام آور مرگ است؛ میوه برای معدهٔ مریض، و نور برای چشم های مبتلا به شب کوری مضر است. همچنین ارتباط ناصحیح با قرآن، به کفر، گمراهی، نفرت، تهمت، پلیدی رجس، خسارت و طغیان و عمی می انجامد (ابراهیم ۲۷)، (بقره ۶۰، ۸۲)؛ (اعراف، ۵۸ البلد الطیب)، (احقاف ۱۱)، (توبه ۱۲۵)، (اسراء ۴۴ و ۴۵)، (فصلت ۴۴).

۴۱ - سوره بقره، آیه ۱۲۱.

۴۲ - «یرتلون آیاته و تیفقهون معانیه یعملون باحکامه و یرجون وعده و یخشون عذا به و تیمثلون قصصه و تعیرون امثاله و یاتون اوامره و یجتبتون نواهیة و ماهو والله - ما هو بحفظ آیاته و سرد حروفه و تلاوة سوره و درس اعشاره و اخماسه، حفظوا حروفه و اضاعوا حدوده و انما هو تدبیر آیاته. بقول الله تعالی: کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته.» (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۴)

۴۳ - [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند. (سوره ص، آیه ۲۹)

۴۴ - امام علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس مشناق سخن گفتن با پروردگار خویش است، باید قرآن بخواند. «اذا احب احدکم ان یحدث ربه فلیقرأ القرآن»

۴۵ - «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقَانًا وَ یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می دهد و گناهانتان را از شما می زداید و شما را می آموزد و خدا داپای بخشش بزرگ است. (سوره انفال، آیه ۲۹)

۴۶ - «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ مَنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»؛ و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب در رسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید. (سوره زمر، آیه ۵۵)

۴۷ - «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقَانًا وَ یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می دهد و گناهانتان را از شما می زداید و شما را می آموزد و خدا داپای بخشش بزرگ است. (سوره انفال، آیه ۲۹)

۴۸ - «الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلَّا یَذِکَّرَ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد. (سوره رعد، آیه ۲۸)

۴۹ - پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: قلب ها زنگار می گیرند، همانطوری که آهن زنگار می گیرد. و در پاسخ به این پرسش که چه چیز دل را جلا می دهد و زنگار را بر می دارد؟ فرمود: تلاوت قرآن.

۵۰ - امام علی (علیه السلام) می فرماید: «القرآن ربیع القلوب» قرآن بهار دلهاست

۵۱ - «اقروا ما تبسّر من القرآن» (سوره مزمل، آیه ۷۳. رک: اعراف ۱۶۹-۱۷۰، فرقان ۳۰)

